

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکبیریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
همکار سر دبیر: بهمن خانی
E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۶۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶، ۲ مه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکبیریان
abdolgolparian@yahoo.com

ابراز وجود قدرتمند و رادیکال کارگران در اول مه علیه جمهوری اسلامی در تهران

کارگران مراسم خانه کارگر را بهم زدند و دست به راهپیمایی زدند
"آزادی برابری حکومت کارگری" یکی از شعارهای کارگران بود

صفحه ۲



شیت امانی رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بازداشت شدند

صفحه ۶



شیت امانی



صدیق کریمی

مراسم روز جهانی کارگر در سنندج به شدت سرکوب شد

صفحه ۲

اخبار تجمع بزرگ معلمان در تهران، سنندج و مریوان

صفحه ۵

تجمع خانواده های دستگیر شدگان سنندج در مقابل ستاد خبری و کلاتری ۱۲ و دادگاه

صفحه ۶

اسامی دستگیر شدگان میتینگ اول مه سنندج

صفحه ۶

روز جهانی کارگر در بوکان گرامی داشته شد

صفحه ۶

فراخوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به مردم سنندج

صفحه ۷

گزارشی از اول ماه می سنندج

صفحه ۷

امید زمانی

قطعهنامه‌ی پایانی تجمع فرهنگیان استان کردستان ۱۲ اردیبهشت ۸۶

صفحه ۸

باز هم سر بر آوردن
ناسیونالیسم کرد در
سازمان کردستان حزب
کمونیست ایران - کومه له



محمد آسگران

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مراسم روز جهانی کارگر در سنندج به شدت سرکوب شد



به طرف مراسم در حرکت بودند. نیروهای انتظامی ضمن ممانعت از تجمع بیشتر کارگران تجمع را محاصره کردند. از همان لحظات اول نیروهای انتظامی و لباس شخصی ضمن محاصره تجمع کارگران با تهدید و ارباب از کارگران خواستند که پراکنده شوند. کارگران اعلام کردند که امروز روز کارگر است و مراسم را برگزار میکنند. نیروهای انتظامی با کارگران

اخراجی و بیکار از جمله دستگیر شدگان هستند. بر اساس فراخوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، کمیته هماهنگی غرب کشور، و تعدادی از فعالین کارگری سنندج، امروز ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی همان ساعت اولیه شروع مراسم ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر از کارگران مراکز مختلف سنندج در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند. دیگر کارگران از خیابانهای مختلف

مراسم روز جهانی کارگر در سنندج به شدت سرکوب شد. تعدادی از رهبران اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و کارگران حاضر در مراسم دستگیر شدند. تعداد بیشتری از کارگران را زخمی و مورد ضرب و شتم قرار داده و مانع ادامه مراسم شدند. تعدادی از کارگران زخمی در بیمارستان بستری شده اند. صدیق کریمی و خالد سواری از رهبران اتحادیه سراسری کارگران

صدیق کریمی هستند. این دو نفر از اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار میباشند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن شدید حمله به تجمع و مراسم کارگران سنندج، از همه مردم دعوت میکند که به یاری کارگران شتافته و این رفتار وحشیانه حکومت را محکوم کنند. کارگران دستگیر شده باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. مردم این وحشیگری را باید با اعتراض قاطع خود جواب بدهند. ما از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و تشکلهای کارگری در ایران و اتحادیه های کارگری در جهان میخواهیم که رژیم اسلامی را به دلیل این حمله وحشیانه محکوم کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
اول ماه مه ۲۰۰۷

درگیر شدند. جنگ و گریز شدیدی با حمله به کارگران و خانواده هایشان آغاز شد.

شیث امانی رئیس هیئت مدیره اتحادیه سراسری به خواندن قطعنامه کارگران سنندج ادامه داد. هنوز قرائت قطعنامه تمام نشده بود نیروهای مسلح رژیم از همه طرف به تجمع کارگران حمله کردند. تعدادی را دستگیر و تعداد بیشتری را مورد ضرب و شتم قرار دادند. شیث امانی را مورد حمله قرار داده و بشدت زخمی شده و تعدادی دیگر از کارگران را شدیداً مضر و مجروح کردند. طبق خبر رسیده شیث امانی و تعداد دیگری از زخمیهای این حمله وحشیانه بر اثر شدت جراحات هم اکنون در بیمارستان بستری هستند.

در این درگیری تعدادی از کارگران دستگیر شدند. از جمله دستگیر شدگان خالد سواری و

ابراز وجود قدرتمند و رادیکال کارگران در اول مه علیه جمهوری اسلامی در تهران

خود ادامه دادند. تجمع کارگران تا ساعت یازده و نیم صبح ادامه یافت. فضای پرشوری بر بخش وسیعی از شهر تهران که مسیر راهپیمایی اول مه بود سایه انداخته و مردم را متوجه اول مه کارگران نموده است.

حزب کمونیست کارگری اول مه رادیکال کارگری در تهران را به همه کارگران شادباش میگوید. جمهوری اسلامی علیرغم به رسمیت شناختن روز کارگر تمام تلاش خود را به کار برد که از ابراز وجود مستقل کارگران جلوگیری کند و روز اول مه گوشه ای از قدرت کارگران را چشید. اول مه امسال يك حرکت آشکارا چپ و سوسیالیستی از جانب کارگران بود. اول مه امسال طبعه به میدان آمدن صف متحد و سراسری کارگران با شعارهای سوسیالیستی و حکومت کارگری است. صفی که در اولین گام حکومت اسلامی سرمایه داران و کل بساط جهنمی طبقه حاکم را جارو خواهد کرد.

مرگ بر سرمایه داری
آزادی برای حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۱۴ مه ۲۰۰۷

تورم صد درصد نان مسکن آزادی بر روی پلاکاردها شعارهای دیگری نیز نوشته شده بود. پلاکاردهای افزایش دستمزد به نحو برجسته ای بچشم میخورد. راهپیمایی کارگران در چندین نقطه با مانع نیروهای انتظامی مواجه شد اما کارگران قاطعانه در برابر مزدوران حکومت ایستادند و با آنها مقابله کردند و آنها را کتک زدند. تعرض کارگران به نیروهای رژیم آنها را در موقعیت دفاعی قرار داده بود و جرات حمله گسترده را به آنها نداد. در چند مورد که مامورین میخواستند کارگرانی را که شعار میدادند دستگیر کنند قادر به انجام این کار نشدند و با تعرض کارگران مواجه شدند. هر تظاهر کننده ای را که میخواستند دستگیر کنند فوراً کارگران او را از چنگ ماموران در می آوردند. قبل از رسیدن به میدان هفت تیر دسته های موتورسوار حکومتی با خشونت به میان صف کارگران زدند و نیروهای رژیم با راه بندان ها و ایجاد حائلها موفق شدند صف کارگران را چند تکه کنند. اما کارگران شعارهای خود را تند تر کردند و با مقاومت و مقابله با مامورین انتظامی به راهپیمایی



مردمی کارگر زندانی آزاد باید گردد زندگی شایسته انسان حق ماست آزادی برابری حکومت کارگری محمود صالحی آزاد باید گردد مرگ بر حامی سرمایه دار کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد کارگر معلم اتحاد جمهوری جهرمی استعفا استعفا وزیر بی لیاقت استعفا استعفا اعتصاب تشکل حق ماست معلم معلم حمایت میکنیم کارگر، دانشجو معلم اتحاد اتحاد قرارداد موقت ملغا باید گردد افزایش دستمزدها اعلام باید گردد افزایش دستمزدها ده درصد

و انزجار کارگران قرار گرفت و کارگران او را کتک زدند. خانه کارگرها مجبور شدند مراسم خود را با دستپاچگی تمام کنند و نیروهای انتظامی تلاش کردند کارگران را به خانه بفرستند. اما کارگران پس از بهم زدن مراسم دولتی، در صفی واحد و بزرگ که هفت تا هشت هزار نفر را در برمیگرفت بطرف میدان ۷ تیر دست به راهپیمایی زدند. در مسیر راهپیمایی کارگران مرتب شعار میدادند. فضایی رادیکال و چپ بر کل تجمع و راهپیمایی حاکم بود. ظنین شعارهای کارگران تا فاصله زیادی انعکاس می یافت و بر فضای شهر تاثیر ویژه ای گذاشته بود. شعارهای کارگران از جمله اینها بود:

روز ۱۱ اردیبهشت اول مه، تهران شاهد قدرت نمایی کارگران علیه جمهوری اسلامی و خانه کارگرهای رژیم بود. بنا به گزارش رسیده به حزب حدود ۷ هزار نفر از کارگران در استادبوم شیروی شرکت کردند و عموماً علیه خانه کارگرها و با شعارهای رادیکال انزجار خود را از پادوهای رژیم نشان میدادند. مراسم دولتی فقط نیم ساعت ادامه پیدا کرد. از همان ابتدا با سخنرانی محبوب دبیر کل خانه کارگر، کارگران او را هو کردند و شعار میدادند "مرگ بر حامی سرمایه دار"، "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد". محبوب مجبور شد سخنرانی خود را کوتاه کند. او هنگامی که بناچار از پشت میکروفن پایین آمد مورد اعتراض

باز هم سر بر آوردن ناسیونالیسم کرد در سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

اخیراً اختلافات درون کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) باز هم شدت گرفته است. ناسیونالیست‌های کرد درون این سازمان یک بار دیگر حملاتشان را به این سازمان و کمونیسم به طور کلی شدت بخشیده اند. تحریف تاریخ این سازمان و برائت از تاریخ همکاری خود این افراد با کمونیست‌ها از زبان تعدادی افراد عقب مانده و بی مایه جایگاه زیادی در سیاست پیدا نمیکنند. اما تعرض به چپ و کمونیسم پرچم این جریان عقب مانده و ارتجاعی است و این باید جواب بگیرد.

تعدادی از رهبران و کادرهای کومه له با پرچم ناسیونالیسم کرد به تاریخ و سیاست‌های چپ و کمونیستی ایران و به تبع تاریخ حزب کمونیست ایران تعرضی را آغاز کرده اند. همه کمونیست‌ها علیرغم هر اختلافی که با کومه له داشته باشند باید این پرچم ضد کمونیستی و ارتجاعی ناسیونالیسم کرد در درون کومه له را افشا و ترد کنند. این پرچم را قبلاً سازمان زحمتکشان به سرکرده گی مهتدی و علی‌خانینزاده برداشت و شکست خورد.

مقاله زیر در سال ۲۰۰۴ در نقد این جریان ارتجاعی در درون کومه له نوشته شده است. بازتکثیر آن را یک بار دیگر لازم میبینم زیرا تحلیلهای آن وقت را هنوز معتبر و بجا میدانم. اگر کومه له آن هنگام این سیاست را در پیش میگرفت اکنون دوباره دچار محصنه فعلی نشده بود. اما هنوز فرصت از دست نرفته است. آیا جریان چپ درون کومه له با درایت این سیاستها را در پیش میگیرد؟

اکنون به منظور روشنتر شدن یک موضوع مطرح شده در مورد سیاست منسجمین در این راستا یک پاورقی را به نوشته حاضر اضافه کرده ام. * (۱)

باز هم سر بر آوردن ناسیونالیسم کرد در سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

محمد آسنگران

نوامبر ۲۰۰۴

اخیراً تعدادی از کادرهای کومه له طی بیانیه ای با "نقد" تاریخ این جریان به صرافت این افتاده اند که اسم حزب کمونیست ایران را بردارند و به اسم کومه له فعالیت کنند. اینها میگویند که این اسم از اول هم بی مسما بوده و

آنها را به این اسم خطاب کرد، اکنون کسی آنها را با کومه له اشتباه نمیگیرد.

سازمان زحمتکشان، با فالانژیسمی که رواج داده، به یک جریان افراطی دست راستی تبدیل شده است. جریانی بی اعتبار و باند سیاهی. اما تاریخ مصرف اینها هنوز به سر نرسیده است. اینها هنوز وودست جلال طالبانی و بارزانی میباشند. اینها هنوز میتوانند مانند عروسک در دست طالبانی در هر شرایطی مورد معامله و بازی قرار گیرند و گرایش ارتجاعی خودشان را رواج دهند.

بی اعتباری سازمان زحمتکشان عملاً میدانی را باز کرده است که جریان ناسیونالیست درون کومه له به خود جرات بدهد که یک بار دیگر این راه پیموده شده را امتحان کند. همچنانکه بی کفایتی حزب دمکرات در نمایندگی کردن ناسیونالیسم کرد جریان مهتدی را تشویق کرد که گویا میدان خالی است و باید ناسیونالیسم را بیاورد، این جریان فکر میکنند که سازمان زحمتکشان مهتدی هم نتوانست وظایفش را خوب انجام دهد. اینبار آدمهای کمتر منور اما بی مایه تر از مهتدی میخواهند این راه را مجدداً امتحان کنند. بی اعتباری ناسیونالیسم و بی افقی این گرایش یک امر داده شده اجتماعی است. علت شکست و بی اعتباری پی در پی جریانات رنگارنگ ناسیونالیسم کرد از یک واقعیت اجتماعی پایدار تر ناشی شده است. یک واقعیت مهم اجتماعی در کردستان تغییرات اساسی و اجتماعی است که همه جریانات کوتاه بین از آن غافلند.

جامعه کردستان تغییر کرده است
کردستان برای ناسیونالیست‌های کرد، همان جامعه ۲۰-۳۰ سال پیش است. در حالی که کردستان امروز کمتر شباهتی با کردستان آن موقع دارد. این اشتباه را جریان انشعابی و محفل آقای مدرسی هم مرتکب شدند و اکنون از اینجا رانده و از آنجا مانده اند.
بر اساس آمار ۶۰ در صد جمعیت ایران بعد از انقلاب ۵۷

چشم به جهان گشوده اند. این جمعیت جوان در کردستان بیش از آنکه تحت تاثیر جریانات ملی و ناسیونالیستی باشد، تحت تاثیر فضای سراسری در ایران است. ناسیونالیسم سنتی و عقب مانده در کردستان هنوز خانه خود را بر مبنای همان داده های ۲۰-۳۰ سال پیش دارد پی میریزد. این بی کفایتی حزب دمکرات و جریان مهتدی نیست که ما تصویر آنرا میبینیم. این بی ربطی آنها به جامعه کنونی است، که آنها را بی کفایت به تصویر میکشد.

جریانات ناسیونالیست کرد مثل رژیم جمهوری اسلامی یک تفاوت و اختلاف نسلی تمام عیار با مردم کردستان دارند. اینها امیال ملای روستا و کدخدای ده را نمایندگی میکنند. اما جوان سندنجدی و مهابادی و... به یمن دسترسی به ماهواره و اینترنت و انقلاب اینفورماتیک تصویرش از زندگی متفاوت است. زندگی جوانان انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان تصویر جوانان و بسیاری از مردم کردستان است.

کسی تصویر آینده خود را دوست ندارد از سلیمانیه و هولیر و زاخوی فعلی تحت حاکمیت عشیره های بارزانی و طالبانی بگیرد. حتی جوانان کردستان عراق هم اگر امروز در را به رویشان باز کنند، فکر نمیکنم کسی در آن منطقه بماند. همگی دوست دارند، امکان این را داشته باشند که در جامعه ای مثل اروپا زندگی کنند. هیچ جوان سقزی و مریوانی و... آرزویش "جامانه" و "پوزاوانه" "فرنجی" کوه و اسلحه نیست. این سنت قدیمی، به تاریخ سنتهای عقب مانده پیوسته است. حتی خود این ناسیونالیست‌های دو آتشه، که در وصف جامانه و سنت اصیل "کردی" آه و ناله میکشند، خودشان دوست ندارند در آن فضای نا امن و عقب مانده زندگی کنند. این نوع زندگی را برای مردم تجویز میکنند که آبخور آینده شان باشد.

این آن واقعیتی است که جریانات ناسیونالیستی متوجه آن نیستند. این آن واقعیتی است که بی کفایتی و بی افقی حزب دمکرات و جریان زحمتکشان

و... را به تصویر میکشد. اینها در تاریخ دیگری زندگی و فکر میکنند. کسانی که دورانی شخصیت معتبر بخشهای از مردم بودند، دارند با توقع بازگشت به عقب، مردم مدرن و جوان امروزی را خطاب قرار میدهند. این در حالی است که جوانان کردستان اگر اسم این افراد را هم شنیده باشند با معیار امروزی به سراغ آنها میروند. حرف و عملکرد آنها را با توقعات امروزشان محک میزنند. کسی که تفکر و تحلیلش از جامعه رنگ و بوی امروزی ندارد، به عنوان یک فسیل میتواند مورد مطالعه جوانان باشد. اما کسی آنها را سرمشق خود قرار نمیدهد، چرا که به آینده تعلق ندارند.

این نقطه ضعف و پاشنه آشیل ناسیونالیسم کرد است. امری که در جریان انشعاب تعدادی از حزب ما نیز، بر آن تاکید کردیم. شاید در غیاب یک جریان مدرن امروزی و رادیکال اینها میتوانستند جلورشد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه را سد کنند. اما وجود حزب کمونیست کارگری و وجود یک گرایش قوی کمونیستی در جامعه، با اتکا به روندهای روبه جلو جامعه، با اتکا به جنبش کارگری و جنبش برابر طلبانه زنان در دل این جامعه مدرن، اجازه به عقب راندن سیر تحول روبه پیش را نخواهد داد. این یک فاکتور عینی و تعیین کننده است.

اینها از تاریخ خود و نیازهای زمانه خود فاصله دارند. منافع مادی و زمینی هم به آنها اجازه نمیدهد که این واقعیات را آنطور که هست ببینند. به همین دلیل هیچ جریانی از این طیف، آینده روشنی نخواهد داشت.

اینها روندهای مادی و سیاسی و عینی جامعه را نمیخواهند ببینند. یا به عبارت دیگر منافع مادیشان اجازه دیدن بر اساس چنین تحلیل و برداشتی و با اتکا به حزب کمونیست کارگری ایران و جنبش قوی رادیکال و چپ در جامعه من با اطمینان میگویم که این

از صفحه ۳ باز هم سر بر آوردن ناسیونالیسم کرد . . .

جریانات در جامعه کردستان جایگاه جدی ای پیدا نخواهند کرد. در نهایت همه اینها به دور سفره حزب دمکرات جمع میشوند و حزب دمکرات خودش منتظر دعوت به سر سفره بورژوازی پروغرب ایستاده است. پیام مصطفی هجری به بوش مسیر این صف مهجور را به عیان نشان میدهد.

همچنانکه اختلاف نهضت آزادی و چریک اکثریت و دوم خردادیهای داخل و بیرون حکومت اسلامی باهم و اختلاف سنتی اینها با آمریکا مانع این نشده و نیست که یک جبهه واحد را تشکیل دهند و چشم به انتظار اقدامات بوش باشند. اختلافات فعلی جریانات کردستانی هم مانع از این نیست که با مخالفشان با رادیکالیسم و انقلاب مردم، به دور یک سفره جمع شوند.

ناسیونالیستهای درون کومه له که امروز دوباره سر بلند کرده اند، با اتکا به اوضاع فعلی کردستان عراق و در فضای سناریوی سیاهی که آمریکا در عراق ایجاد کرده است، به تقلا افتاده اند تا از قافله عقب نمانند. اینها فکر میکنند که همین فردا پس فردا ممکن است که خوان آمریکا در ایران هم پهن شود. دست و پای همدیگر را له میکنند که خود را به این سفره برسانند. رقابتها و اختلافات درونیشان هم از اینجا ناشی میشود. اما در تحلیل نهایی همگی به یک سفره چشم دوخته اند. در چنین فضایی است که یک حزب ناسیونالیستی کرد و ملی گرا با یک جریان شبه فاشیستی مثل پان ایرانیستها همدیگر را بغل میکنند و سر تعظیم در مقابل بوش فرود می آورند.

بازی کودکانه و ندانم کاری جریانات حاشیه ای تر و تازه به دوران رسیده ای مثل جریان زحمتکشان و حزب آقای کورش مدرسی* (۱) ممکن است امروز در دسرهایی برای نزدیک شدن این جبهه به همدیگر فراهم کنند، اما سیر وقایع تاریخی در هر حالت، اینها را به هم نزدیک میکند. چه

در حالتی که بوش و گانگسترهایش پا جلو گذارند و بخواهند که ایران را عراقیزه کنند و چه انقلاب مردم ایران آنها را حاشیه ای تر کند. اینها بالاخره ناچارند که برای گرفتن یک کرسی و اعطای یک پاسگاه به آنها کنار هم قرار گیرند تا ادای بارزانی و طالبانی را در بیاورند.

اما بر خلاف تصور و امیال این جریانات، اوضاع سیاسی ایران سیر متفاوتی را طی میکند. چپ در جامعه قویتر و اجتماعی تر از آن است که میدان مانوری به اینها بدهد. مردم آزادیخواه و در راس آنها حزب کمونیست کارگری با سازمان دادن و رهبری انقلاب ایران تا همین حالا هم سدهای محکمی در مقابل جریانات عقب مانده و غیر مسئول ایجاد کرده است. مبارزات کارگران و اقشار تحت ستم جامعه وارد فاز تازه ای شده و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را با قدرت بیشتری به صدا در آورده است. جنبش انقلابی مردم ایران می رود که همه سناریوهای ضد اجتماعی اینها را در مسیر خود خنثی کند.

اتفاقات درون کومه له را باید در متن چنین فضای سیاسی و اجتماعی بررسی کرد. آیا راه برون رفتی برای کومه له هست؟ کومه له متأسفانه هنوز با تئوری انتظار به تحولات اجتماعی و به تبع آن به اختلافات درونی خودش مینگرده. هنوز متوجه ابعاد قضیه نیست. به همین دلیل یکی از اعضای رهبریشان اعلام میکنند که هفت نفر صادر کننده بیانیه اخیر برای تغییر نام حزبشان هنوز کادرهای آن حزبند و دارند کارشان را میکنند و... گویا کسی گفته است که آنها کادر آن حزب نیستند. رفقای کومه له تاکنون فرصتهای تاریخی مهمی را از دست داده اند. یکی از آن فرصتها مقطع جدایی جریان مهدتی بود. در آن مقطع منصور حکمت پیشنهاد کرد که اجازه ندهید اسم کومه له را یک جریان ارتجاعی صاحب شود. به اسم کومه له

کمونیست فعالیتتان را از سر بگیرید. این دوستان متوجه نشدند و از کنار آن گذشتند. همان موقع منصور حکمت اعلام کرد که صد در صد از باقیماندهای این جریان ناسیونالیستی باز هم از درون کومه له سر بلند میکنند. اکنون داریم همگی می بینیم این پیش بینی درست بود. رهبری کومه له آن موقع اعلام کرد که آنها برخوردارشان به مهدتی و سازمان زحمتکشان با کمونیست کارگریها فرق میکنند. آنها پز آدمهای "معقول" به خود گرفتند، اما بغل دستشان کل تاریخ حزب کمونیست ایران را به حراج گذاشته بودند. ما از آن تاریخ دفاع کردیم. ما جریان زحمتکشان را افشا و جایگاه واقعیشان را به جامعه معرفی کردیم. اگر اکنون سازمان زحمتکشان جایگاهی پیدا نکرده است به یمن سیاستهای رادیکال و تحلیل درست ما از آنها بود. آنها را همان طور که بودند به جامعه معرفی کردیم. همان موقع کومه له حاضر نبود این جریان افراطی ناسیونالیست کرد را با اسم و ماهیت واقعی اش به مردم معرفی کند. هنوز تلاش میکردند که آن صف عقب مانده و فالانژ را در میان خود نگهدارند. این اشتباه را در مورد باقی مانده آن صف دوباره دارند تکرار میکنند. جواب بیانیه این هفت نفر تکرار قرار و مدار تشکیلاتی نیست. با وجود آن قرار و قطعنامه ها آنها این بیانیه را نوشته اند. اینها به یک تاریخ حمله کرده اند. یک تاریخ را وارونه جلوه داده اند. اینها با این عملشان دارند صف خودشان را سروسامان میدهند. اینکه میتوانند یا نه، بستگی به این دارد که کمونیستها و مخالفین آنها چکار میکنند.

راه برون رفت کومه له از این اوضاع بستگی به سیاستی دارد که کومه له در پیش میگیرد. مقابله با این روند که هر از چند گاه تعدادی ناسیونالیست سر بر آورند و بخشی از تشکیلاتشان را باخود ببرند، سکوت و تئوری انتظار نیست. راهش تعرض به ناسیونالیسم در ابعاد وسیع و اجتماعی است. تنها راهی که جلو

روی کومه له قرار دارد این است که با سیاست چپ و رادیکال در مقابل و علیه ناسیونالیسم با قاطعیت بایستند. کومه له اگر با قاطعیت تعرض سیاسی را علیه ناسیونالیستهای درون خودش سازمان بدهد امکان شکست آنها هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ تشکیلاتی ممکن است.

در این مقطع که ناسیونالیسم کرد دوباره از درون سر بلند کرده است، تغییر اسم حزب کمونیست ایران امتیازی برای آنها به حساب می آید. در قدم اول این تعرض را باید قاطع جواب داد.

کومه له سازمانی است که از انقلاب، شورا و سوسیالیسم دفاع میکند. با هر تعبیری که از آن داشته باشد اینها فاکتورهای مهمی برای یک سازمان چپ است. بعد از به عقب راندن این تعرض راست، این تشکیلات باید واقع بینانه بنشینند و منافع درازمدت خود را بررسی نمایند. مساله امروز کومه له مثل مورد قبل و انشعاب جریان مهدتی، اساسا سیاسی است و راه حل سیاسی دارد. اساس راه حل هم تعرض به ناسیونالیسم کرد است. در مورد اسم باید گفت، گرچه ما هنوز هم کومه له کمونیست را اسم مناسب تری از حزب کمونیست ایران میدانیم (از یکسو برای آنکه نام کومه له را ناسیونالیستها مصادره نکنند و ازسوی دیگر برای اینکه کومه له امروز عملا و واقعا یک حزب سراسری نیست) اما ناسیونالیستهای درون کومه له بدلائل دیگری میخواهند اسم حزب را عوض کنند. در این شرایط باید در برابر آنها ایستاد و با تعرض سیاسی جوابشان را داد. اگر کومه له تصمیم بگیرد که با سیاستی رادیکال و چپ تحت عنوان کومه له کمونیست فعالیت کند میتواند تاثیر مثبتی بر فضای سیاسی کردستان داشته باشد. اگر چه کومه له فرصت را از دست داد، اما این راهی اصولی

است که هنوز به روی کومه له باز است. با این وجود حتی در شکل و قامت فعلی هم، گرایش ناسیونالیستی هیچ حقانیتی در تعرض به این سازمان ندارد.

نوامبر ۲۰۰۴

- * (۱) جریان آقای مدرسی در ابتدای جدایشان از حزب کمونیست کارگری تلاش کردند در بارگاه ناسیونالیستهای کرد در کردستان عراق پذیرفته شوند. در پلنوم دومشان سیاستگذاری کردند و در مقابل بارگاههای ناسیونالیستها چمپاتمه زدند و دنبال راهی برای سازش رفتند، اما جوابشان را ندادند. سرخورده شدند و ناچار به کومه له روی آوردند. کومه له از آنها دعوت کرد که ادعاهایشان را کنار بگذارند و به کومه له ملحق شوند. اما سیر پیشروی چپ در ایران و قدرت حزب کمونیست کارگری ایران و درستی تحلیل ما از اوضاع سیاسی جامعه و پوچی ادعای آقای مدرسی: **جامعه به راست چرخیده است** که با سیاست دفاع از حزب الله به یک افتضاح سیاسی تبدیل شد، سیر بازبینی دوران انشعاب را در میان آنها رواج بخشید. این پروسه تغییر در سطح وسیعی در صف منشعبین در جریان است و تزهایی مدرسی بی صاحب مانده است. این تحولات در صف آنها تنها به استعفاي ایرج فرزاد و تعدادی دیگر از همفکرانش محدود نیست.

معترضین به سیاست مدرسی نقدهای چهار سال پیش ما را اکنون با زبانی الکن به اسم تزهایی تازه در نقد مدرسی تکرار میکنند. در همین مورد هم تحلیل ما از سیر رویدادها یک بار دیگر درست بودنشان محک خورد. نکته قابل توجه این تحولات این است که اکنون همان کسانی که از منشعبین به کومه له نان قرض میدادند تا شاید اتاقی در مقرشان به "گارد آزادی" کرایه داده شود امروز به منتقد کومه له تبدیل شده اند زیرا باد از طرف دیگر میوزد!

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

تجمع پرشور و قدرتمند معلمان در سنندج معلمان سرکوب کارگران در روز اول مه را شدیداً محکوم کردند و خواهان آزادی کارگران زندانی شدند



روز چهارشنبه بیش از ۱۷۰۰ نفر از معلمان شهرهای مختلف کردستان در مقابل اداره آموزش و پرورش سنندج تجمع کردند و خواهان آزادی فوری معلمان زندانی و سایر مطالبات بحق خود شدند. تجمع معلمان از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر

دهها پلاکارد به چشم میخورد و بر پلاکارد بزرگی نوشته شده بود علم را نمیتوان زندانی کرد، زندانیان را آزاد کنید.

در این تجمع تعداد زیادی از معلمان به نمایندگی از معلمان شهرهای مختلف سخنرانی کردند و بر خواستهای خود پافشاری کردند. سخنرانان سرکوب کارگران در مراسم اول مه را شدیداً محکوم کردند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان شدند. معلمان گوئی آمده بودند تا پاسخ سرکوب

کارگران در روز اول مه را بدهند. پیام پیمان نودینیان، معلم تبعیدی از سنندج، نیز توسط یکی از معلمان حاضر در این میتینگ قرائت شد. بیانیه ۱۴ ماده ای معلمان نیز قرائت شد که مورد استقبال قرار گرفت.

از بیجار، دهگلان، بوکان، مریوان، کامیاران، قروه، سقز و دیواندره در تجمع امروز سنندج حضور داشتند. تعدادی از کارمندان آموزش و پرورش و نیز معلمان بازنشسته نیز در این تجمع حضور داشتند. همچنین تعدادی از معلمان اخراجی در تجمع بزرگ چهارشنبه خواهان بازگشت به کار شدند. لازم به توضیح است که ۱۰۵۱ نفر از معلمان بدنبال لشکرکشی رژیم به

کردستان در سالهای بعد از انقلاب از کار اخراج شدند که همچنان خواهان بازگشت به کار و دریافت غرامت هستند.

یکی از سخنرانان گفت ما هفته معلم نداریم، ما میخوایم روز جهانی معلم را همزمان با معلمان سایر کشورها جشن بگیریم.

لازم به توضیح است که امروز بسیاری از مدارس سنندج و شهرهای دیگر تعطیل بود.

**زنده یاد اعتصاب و مبارزه معلمان
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی**

**حزب کمونیست کارگری ایران
مه ۲۰۰۷، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶**

تخلفات اداری مبنی بر صدور حکم برای همکاران از طرف نهاد متبوع بدون رسیدگی مراجع ذیصلاح اعتراض به هتک حرمت عده ای از همکاران فرهنگی از طرف کمیته سوخت شهرستان مریوان حضور قاطعانه همکاران در مقابل مجلس شورای اسلامی روز سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۸۶

**زنده یاد اعتصاب و مبارزه معلمان
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده یاد جمهوری سوسیالیستی**

**حزب کمونیست کارگری ایران
مه ۲۰۰۷**

نمونه کشور
انتخابی کردن مدیران و مسئولین اجرایی
تاسیس بانک فرهنگیان
رفع فضای پلیسی و امنیتی و خروج نیروهای امنیتی از آموزش و پرورش و مدارس
رفع محدودیت مصاحبه با رسانه ها
ادغام دو وزارتخانه علوم و آموزش و پرورش
اجرای طرح نظام هماهنگ پرداخت
لغو بند ۱۳ از مواد قانون

تجمع بزرگ معلمان در مریوان در میتینگ امروز بر تجمع مقابل مجلس در روز ۱۸ اردیبهشت تاکید شد

ما معلمان متحصن در اینجا جمع شده ایم تا یک بار دیگر متحد و همصدا بر خواسته های خود پافشاری کنیم:

آزاد کردن همه معلمان زندانی
رفع انفضال از خدمت و تبعید همکاران
دادن حق رای به تشکل های صنفی معلمان در شورای عالی آموزش و پرورش
تغییر معیارهای انتخاب معلم

نیروهای امنیتی رژیم از دور و نزدیک این تجمع را زیر نظر داشتند اما بدلیل تجمع گسترده معلمان، جرات نزدیک شدن به تجمع را نداشتند.

در تجمع پرشور امروز در مریوان بیانیه ای شامل تعدادی از خواستهای معلمان قرائت شد که با استقبال گرم حاضرین مواجه گردید. در این بیانیه بر خواستهای زیر تاکید شده است:

روز ۱۲ اردیبهشت معلمان مریوان در مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان مریوان کلاسهای درس را تعطیل کرده و به تجمع اعتراضی دست زدند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است حدود ۱۰۰۰ نفر در این تجمع حضور داشتند و به وضعیت موجود، حقوق پائین، معضلات اقتصادی و بیحقوقی خود صحبت کردند و اعتراض کردند. قابل ذکر است که

معلمان در تجمعات سراسری امروز خواهان آزادی همکاران خود شدند

**معلمان در روزهای آینده نیز دست به اعتصاب و تجمع خواهند زد
بسیاری از مدارس راهنمایی و دبیرستان در اعتصاب هستند**

که امروز اکثر مدارس راهنمایی و دبیرستان در اعتصاب به سر میبرند.

حزب کمونیست کارگری از همه مردم آزادیخواه در سراسر کشور میخواند که از معلمان و مطالباتشان قاطعانه حمایت کنند. معلمان زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. کلیه احکام انفضالی باید فوراً ملغی شود. مطالبات معلمان از جمله افزایش بالای دستمزد، تامین مسکن، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب حق مسلم معلمان است. زنده یاد اعتصاب و مبارزه معلمان.

**حزب کمونیست کارگری ایران
مه ۲۰۰۷
۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۶**

رسیده است، تاکنون حدود ۱۰۰ نفر از معلمان معترض در تهران دستگیر و زندانی شده اند. باغانی، بهشتی و یکی دیگر از معلمان دستگیر شده به سه سال انفضال از خدمت محکوم شده و هنوز در زندان بسر میبرند. تعداد قابل توجهی از معلمان در شهرهای مختلف از جمله همدان نیز حکم انفضال از خدمت گرفته اند.

همچنین گزارش میشود که در زندان به معلمان فشار آورده اند که بیانیه خود مربوط به تجمع در مقابل مجلس در روز ۱۸ اردیبهشت را کنسل کنند. آنها در ازای این وعده پاسخگویی به خواستهای معلمان را داده اند. اما معلمان بازداشتی تسلیم خواست آنها نشده اند. لازم است اضافه کنیم

امروز در اعتصاب به سر میبرند. در کرمانشاه، از ساعات اولیه صبح امروز بیش از ۲۰۰ پلیس خیابانها و کوچه های منتهی به اداره آموزش و پرورش را محاصره کرده اند تا از حضور معلمان جلوگیری کنند. با اینهمه بنا به گزارش گزارشگر حزب در ساعت ۱۰ صبح حدود ۱۰۰ نفر از معلمان در کنار پارک معلم جمع شده اند تا به مقابل اداره آموزش و پرورش بروند. بنا به این گزارش به تدریج بر تعداد معلمان افزوده میشود.

بنا به گزارشات که به حزب

تجمع معلمان اعلام کردند که اگر معلمان زندانی آزاد نشوند، روز شنبه ۱۵ اردیبهشت در مقابل دادگاه انقلاب واقع در خیابان شریعتی بنش خیابان معلم تجمع خواهند کرد. و اگر باز هم پاسخ نگیرند از روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت هرروزه در مقابل ساختمان آموزش و پرورش جمع خواهند شد. نیروهای انتظامی در محل بودند اما تا لحظه دریافت گزارش درگیری صورت نگرفته است. بسیاری از مدارس راهنمایی و دبیرستان تهران و برخی شهرستانها

روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم بنا به قرار قبلی دست به اعتصاب زدند و در مقابل ادارات آموزش و پرورش در شهرهای مختلف تجمع کردند. معلمان خواهان آزادی فوری همکاران خود، لغو احکام انفضال از خدمت و پاسخگویی به مسائل خود شدند.

در تهران حدود ششصد نفر از معلمان از ساعت ۹ صبح مقابل ساختمان آموزش و پرورش تهران دست به تجمع زدند و با شعار معلم زندانی آزادی باید گردد به جمهوری اسلامی اعتراض کردند. در این

تجمع خانواده های دستگیر شدگان سنندج در مقابل ستاد خبری و کلانتری ۱۲ و دادگاه

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، بعد از سرکوب مراسم کارگران سنندج و درگیری شدید در خیابان صفری و دستگیری تعدادی از کارگران، خانواده ها و بستگان کارگران در مقابل ستاد خبری سنندج تجمع کردند و جویای حال عزیزانشان شدند. خالد سواری آزاد شد. صدیق کریمی از اعضا هیئت مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار همچنان در بازداشت بسر میبرد.

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، بعد از سرکوب مراسم کارگران سنندج و درگیری شدید در خیابان صفری و دستگیری تعدادی از کارگران، خانواده ها و بستگان کارگران در مقابل ستاد خبری سنندج تجمع کردند و جویای حال عزیزانشان شدند. خالد سواری آزاد شد. صدیق کریمی از اعضا هیئت مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار همچنان در بازداشت بسر میبرد.

کردستان حزب رسیده است، بعد از حمله به مراسم و ضرب و شتم کارگران و پراکنده کردن تجمع و درگیری خیابان صفری، مردم و کارگرانی که به طرف مراسم در حرکت بودند همراه با تجمع کنندگان به طرف میدان آزادی سنندج راهپیمایی کردند. در مسیر حرکت یک بار دیگر مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفتند.

کارگران هم در تجمع و هم در مسیر راهپیمایی با شعارهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، محمود صالحی آزاد باید گردد، تجمع و تشکل حق مسلم ما است، زنده باید آزادی تشکل، و بر روی

پلاکاردهایی که کارگران حمل میکردند نوشته شده بود: کار کودکان ممنوع، روز جهانی کارگر گرامی باید، اخراج و بیکار سازی کارگران ممنوع است محمود صالحی آزاد باید گردد و...

نیروهای انتظامی و ضد شورش همچنان در خیابانهای سنندج مستقر هستند. در خیابان آزادی دوربینهای فیلم برداری نیروهای مسلح رژیم مرتب از جوانان و مردم فیلم میگیرند هر تجمع چند نفره را مورد حمله قرار میدهند. چندین بار کارگران و جوانان تلاش کردند در میدان آزادی و خیابانهای اطراف که تجمع و تظاهرات را دوباره آغاز

کنند هر بار با حمله نیروهای رژیم اسلامی مواجه شدند و با شعار زنده باد آزادی، برابری اعتراض خود را ادامه دادند. در این جنگ و گریز تعدادی از جوانان دستگیر شدند. همچنین روز ۱۲ اردیبهشت ۶۰ الی ۷۰ نفر از خانواده دستگیر شدگان و تعدادی از اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار در مقابل ستاد خبری و دادگاه سنندج تجمع کردند. بر اساس خبر رسیده قرار است ۱۳ اردیبهشت کارگران بارداشت شده را تحویل دادگاه بدهند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
اول مه ۱۳۸۶

شیت امانی رئیس هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بازداشت شد

امینتی به دادگاه رفته بود همانجا توسط بیش از ده مامور امنیتی که از بیرون دادگاه وارد آنجا شده بودند، با خشونت بازداشت شد. لازم به یادآوری است که دیروز در محل کلانتری ۱۲ خواهر صدیق کریمی توسط یکی از مامورین امنیتی

امینتی به دادگاه رفته بود همانجا توسط بیش از ده مامور امنیتی که از بیرون دادگاه وارد آنجا شده بودند، با خشونت بازداشت شد. لازم به یادآوری است که دیروز در محل کلانتری ۱۲ خواهر صدیق کریمی توسط یکی از مامورین امنیتی

رئیس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار را پنجر کرده و با باز کردن درب ماشین وی، ماشین را مورد تفتیش قرار داده بودند.

همچنین بنا به اخبار دریافتی از دیروز مامورین امنیتی با لباس شخصی در سطح شهر سنندج به دنبال بازداشت اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار هستند. همچنین دیروز پس از پایان تجمع کارگران در مقابل اداره روابط کار سنندج، مامورین چهار چرخ ماشین خالد سواری نایب

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۲/۱۲/۱۳۸۶

k.ekhraji@jimail.com

روز جهانی کارگر در بوکان گرامی داشته شد

در یک سالن در نزدیک شهر بوکان، دهها نفر از کارگران و خانواده های آنان، از ساعت سه بعد از ظهر امروز اول مه تجمع کرده و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

در این مراسم در ابتدا به یاد همه کارگران جانباخته که در اثر سوانح و یا در زندانها و در جریان مبارزه جان باخته اند و به یاد همه جانباختگان راه آزادی یک دقیقه سکوت اعلام شد. سپس مراسم با پخش سرود انترناسیونال آغاز شد.

در این مراسم چهار نفر از فعالین جنبش کارگری در مورد تاریخچه روز جهانی کارگران و مبارزات کارگران در دنیا و همچنین در مورد موقعیت کارگران در ایران و ضرورت تشکل برای کارگران، سخنرانی کردند.

حضور زنان در این مراسم چشمگیر بود. در انتها قطعنامه ای در مورد روز جهانی کارگر قرائت شد که با تشویق و کف زدن به تأیید حاضرین رسید.

در این مراسم شیرین و شکلات در بین حاضرین پخش شد و مراسم با شادی و شور و شوق در ساعت ۶ بعد از ظهر به پایان رسید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
اول مه ۲۰۰۷
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد اول مه
زنده باد سوسیالیسم

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
اول مه ۲۰۰۷
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

اسامی دستگیر شدگان میتینگ اول مه سنندج

صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران - اقبال لطیفی - پدالله مرادی - نجمه الدین رجبی - فاروق گویلی - انور مفاخری - صدیق امجدی - حبیب الله کلکانی - محی الدین رجبی - صدیق صبحانی، اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران

این حق بدیهی همه کارگران و مردم است که در روز اول مه روز جهانی کارگران بهر طریق ممکن در مورد مسائل و مشکلات خود و مسائل جامعه ابراز نظر کرده و با برگزاری میتینگ و تظاهرات، نقد و اعتراض خود را به این نظام غیرانسانی و حکومت پاسدار این نظم بیان کنند. از همه سازمانهای کارگری و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان در سطح بین المللی میخواهیم به سرکوب میتینگ کارگران در سنندج اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شوند.

صبح روز اول مه تظاهرات کارگران در سنندج به مناسبت روز جهانی کارگر با حمله و سرکوب وحشیانه نیروهای اسلامی مواجه شد. در این تظاهرات، تعدادی از کارگران مورد ضرب و شتم نیروهای سرکوبگر قرار گرفته و تعدادی از شرکت کنندگان مجروح و تعدادی دستگیر شدند. شیت امانی از جمله مجروحین حمله سرکوبگران جمهوری اسلامی است که در حال قرائت قطعنامه مورد حمله قرار گرفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری سرکوب میتینگ اول مه کارگران توسط جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و همه مردم آزادیخواه را فراخوان میخواند به تجمع خود در مقابل زندان سنندج ادامه داده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیرشدگان شوند.

صبح روز اول مه تظاهرات کارگران در سنندج به مناسبت روز جهانی کارگر با حمله و سرکوب وحشیانه نیروهای اسلامی مواجه شد. در این تظاهرات، تعدادی از کارگران مورد ضرب و شتم نیروهای سرکوبگر قرار گرفته و تعدادی از شرکت کنندگان مجروح و تعدادی دستگیر شدند. شیت امانی از جمله مجروحین حمله سرکوبگران جمهوری اسلامی است که در حال قرائت قطعنامه مورد حمله قرار گرفته است.

سرکوبگران حکومت، بیش از بیست نفر از کارگران را دستگیر کردند که تا کنون تعدادی از آنها آزاد شده اند. آخرین گزارش به حزب حاکی است که صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار ایران - اقبال لطیفی - پدالله مرادی - نجمه الدین رجبی - فاروق گویلی - انور مفاخری -

فراخوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به مردم سندج

کارگران، جوانان، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب روز ۱۱ اردیبهشت تجمع کارگران کارخانه های شهر ما، به مناسبت اول ماه مه در مقابل اداره روابط کار و میدان آزادی مورد تهاجم وحشیانه نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت و دهها تن از کارگران زخمی و نزدیک به ۱۵ نفر نیز بازداشت شدند. حتی در مقابل کلاتری ۱۲ سندج به خانواده هایی که جویای قوم و خویش دستگیر شده خود بودند رحم نکرده و زنان را نیز

در کلاتری ۱۲ بازداشت کردند، در کلاتری خواهر صدیق کریمی را مورد ضرب و شتم قرار دادند، هر چند که هم اکنون که این بیانیه تنظیم میشود زنان بازداشتی آزاد شده اند اما کارگران بازداشت شده که همگی عضو اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار میباشند همچنان در نقطه نا معلومی در بازداشت بسر می برند.

مردم حق طلب نزدیک به سی سال است که فقر و

فلاکتی تحمل نا پذیر را بر ما و خانواده هایمان تحمیل کرده اند، ما تولید کنندگان همه ثروت و نعمات موجود در جامعه هستیم اما سهم ما چیزی جز فقر و فلاکت بی پایان نبوده و نیست. ما در مقابل اداره روابط کار سندج گرد هم آمدیم تا به مناسبت روز جهانی کارگر اعتراض خود را به مشقاتی که بر ما تحمیل کرده اند بیان کنیم. این حق ماست. در این جامعه، در طول سال دهها روز را به عناوین مختلف اسم گذاری کرده و

از ثروتی که توسط ما کارگران تولید میشود برای گرامیداشت آنها هزینه های میلیاردهای میکنند اما وقتی نوبت ما کارگران میرسد با باتوم و گاز اشک آور به جان ما می افتند، اینان میخواهند ما به مشابه بردگانی خاموش در مقابل اینهمه ستمی که بر ما روا داشته میشود، سکوت کنیم. اما ما سکوت نخواهیم کرد. ما کار، نان، آزادی و امنیت میخواهیم. امنیت و رفاه و آسایش ما، امنیت و رفاه و آسایش کل جامعه است.

مردم شریف و آزادیخواه! از ما حمایت کنید و اجازه ندهید بیش از اینها، انسانیت در این جامعه له

شود. حمایت شما پشتوانه محکمی خواهد بود تا هم دوستان ما از زندان آزاد شوند و هم حرمت و شرافت انسانی کل جامعه بیش از اینها لگد مال نشود.

ما از شما میخواهیم تا با مراجعه به محل نگهداری کارگران دستگیر شده و جویا شدن وضعیت آنها، خواهان آزادیشان شوید. بی تردید تلاش جمعی و متحدانه ما، دشمنان طبقه کارگر را وادار به عقب نشینی خواهد کرد.

زنده باد اول ماه مه
زنده باد آزادی و برابری
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار
۱۱/۲/۸۶

گزارشی از اول ماه می سندج

امید زمانی



روز اول ماه می روز جهانی کار گریود. براساس فراخوانی که اتحادیه سراسری کارگران بیکار و اخراجی، کمیته هماهنگی و جمعی از فعالین کارگری سندج داه بودندف رویرو روابط عمومی ادره کار واقع در چهار راه صفری مکان تجمع برای براگزاری اول ماه می اعلام شده بود. ساعت ۱۰ صبح با عجله آنجا رفته و به مکان برگزاری مراسم رسیدم در چهار راه مردوخ که به این مکان منتهی میشود ترافیک سنگینی ایجاد شده بود. تعداد بسیار زیادی ماموران انتظامی و گارد ویژه و لباس شخصی کل مسیر را احاطه کرده بودند. اما کارگران که برای گرامیداشت روز اعلام همبستگی جهانی و طبقاتیشان آمده بودند بدون در نظر گرفتن هشدارهای آنها کم کم جمع شدند. جمعیت ابتدا حدود ۴۰۰ نفر بودند که در مکان اعلام شده جمع شدند.

جمعیت داد و با تشویق و فریاد جمعیت روبرو شد.

با قرائت هر کدام از بندهای قطعنامه تشویق مردم هیجان بیشتری به مراسم میداد. کارگران شروع به شعار دادن کردند. آنها فریاد میزدند کار گر اتحاد اتحاد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، محمود صالحی باید آزاد گردد. مامورهای امنیتی رژیم با دیدن فضای موجود از اینکه کنترل از دستشان بیرون رود به وحشت افتادند و شروع به تهدید کردند. اما کارگران که چیزی جز زنجیر هایشان برای از دست دادن نداشتند در مقابل تهدید مامورها عقب ننشستند.

در زمانی که شیث امانی در حال خواندن بندهای آخر قطعنامه بود به يك باره مامورین نظام سرمایه اسلامی وحشیانه بر جمعیت حمله ور شدند. لباس شخصی ها و گارد ویژه از تمام جهات و کوچه های مجاور با باتوم بدون در نظر گرفتن هیچ چیزی حمله ور شدند. خواستند که شیث امانی و تعدادی از فعالین کارگری را ببرند که با گرد آمدن جمعیت حول آنها مانع دستگیری آنها شدند. هر لحظه درگیری شدید تر میشد. ماموران وحشیانه هر کسی را که دم دستشان میرسید مورد ضرب و شتم قرار میدادند. سراسیمه خیابانهای اطراف را بستند. مقاومت کارگران بسیار عالی و تحسین بر انگیز بود. انگار کسی نمیتوانست اراده آنها را در هم بشکند.

در ادامه درگیری نیروهای گارد ویژه جوانی را گرفته بودند و از سر و رویش خون میامد وحشیانه بر روی اسفالت خیابان میکشیدند. مردم فوراً به کمکش شتافتند. پیر زنی از میان جمعیت فریاد زد اینجا هم فلسطین است. با درگیری مردم خوشبختانه این جوان را آزاد کرده و از دست نیروهای مسلح رها کردند. مامورها با فشاری که آوردند جمعیت را به دو قسمت تقسیم کردند. قسمتی از جمعیت با سر دادن شعار شروع به حرکت به سمت خیابان صفری و میدان آزادی نمودند. قسمت باقیمانده در طرف دیگر خیابان به شدت با مامورها درگیر شدند. من با قسمتی از جمعیت بودم که به سمت میدان آزادی میرفت. شعار آزادی و برابری و زندانی سیاسی آزاد باید گردد در خیابان طنین انداز شد. به يك باره از سمت میدان آزادی و کوچه های اطراف گارد ویژه حمله ور شد. به هر عابری که میرسیدند با باتوم حمله میکردند. در این میان چندین نفر دستگیر شدند و فوراً با ماشین از ما دورشان کردند. در طرف مقابل خیابان که توسط مامورین ارتباطش با ما قطع شده بود نیز تعدادی دستگیر شدند. درگیریها حدود ۱ ساعت به طول کشید. در جریان دستگیرها متوجه شدم که خالد سواری و صدیق کریمی از رهبران اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار دستگیر شدند. بعداً خالد آزاد شد و صدیق کریمی همچنان در بازداشت بسر میبرد. شیث امانی در

این درگیریها به شدت زخمی شده است. بیش از ۲۰ نفر از کارگران و جوانان در درگیری با گارد ویژه زخمی شدند.

کل مسیر در محاصره نیروهای سرکوبگر قرار گرفت. خبر درگیری مردم با نیروهای رژیم در روز اول ماه می به سرعت در شهر پیچید. خانواده دستگیر شده ها به جلوی ستاد خبری رژیم که معمولاً در این مواقع دستگیر شده ها را به آنجا میبرند میفرستند. آنها هم ادعا میکردند که دستگیر شده ها جاهای دیگری هستند و به ستاد آورده نشده اند. طبق خبری که مردم دریافت کرده بودند کلاتری ۱۲ در انتهای خیابان وکیل محل بازداشت شدگان است.

به سرعت جلوی این کلاتری تعدادی از خانواده ها جمع شدند. آنها نیز ابتدا اعلام کردند که خبری ندارند اما زمانی که با فشاری مردم برای آزادی دستگیر شده ها را دیدند وحشیانه به جان مردم افتادند و يك نفر هم آنجا بازداشت شد.....

آری این تصویر کوتاهی از اول ماه می در شهر سرخ سندج بود. صحنه رژه و اعتراض و درگیری طبقه کارگر با حامیان نظام جهل و سرمایه. تعداد زیادی از همکاران ما زخمی، بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اکنون تلاشمان را برای آزادی دستگیر شدگان باید ده چندان کنیم.

زنده با آزادی و برابری
زنده باد اول ماه می
روز جهانی کارگر
۱۱ اردیبهشت ۸۶

قطعنامه‌ی پایانی تجمع فرهنگیان استان کردستان ۱۲ اردیبهشت ۸۶



مدارس بوده و همچنین تسری آن به مدیریت مناطق و استان را خواستاریم.

۱۲- ما خواهان رفع هرگونه محدودیت از فعالیتهای تشکلهای صنفی فرهنگیان بوده و بسط آزادی بیان و نقد را در آموزش و پرورش خواستاریم.

۱۳- در روزهای جاری مدیریت ناحیه یک سنندج با ارسال بخشنامه‌ای به مدارس سعی در ایجاد تردید و دودلی در بین همکاران نموده و مدیران را وادار به ارسال اسامی متحصنین نموده است. ما ضمن محکوم کردن این برخورد اعلام می‌داریم در صورت برخورد با همکاران ما ناچار به صدور بیانیه بوده و مسئولیت آن برعهده مدیریت ناحیه یک خواهد بود.

۱۴- ما صدور هرگونه احکام تنبیهی از جمله انفصال خدمت برای فعالین صنفی را حربه‌ای جدید در جهت ضربه زدن به آموزش و پرورش دانسته و محکوم می‌نماییم.

از تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی، دانشجویان، کارگران، دانش‌آموزان و کسانی که از ما حمایت کردند بسیار سپاسگزاریم.

فضای پلیسی در آموزش و پرورش و آزادی بی‌قید و شرط معلمان دریند بوده و از تمامی همکاران با تمام توان حمایت و پشتیبانی می‌نماییم.

۹- ما خواهان اجرای لایحه‌ی مدیریت خدمات کشوری بصورت کامل و جامع از تاریخ ۱۳۸۶/۱/۱ می‌باشیم.

۱۰- انعکاس رسانه‌ای اعتراضات و خواسته‌های فرهنگیان از حقوق مسلم ماست. ما ضمن محکوم کردن سکوت رسانه‌ها و مطبوعات نسبت به بازتاب اعتراضات فرهنگیان، حق انجام مصاحبه را برای فعالین صنفی محفوظ می‌دانیم.

۱۱- ما خواهان نهادینه کردن نظام مدیریت انتخابی در سطح

اساسی در نظام آموزشی و تبدیل آن به یک سیستم آموزشی مدرن و کارآمد هستیم.

۴- ما داشتن فضای آموزشی مناسب یعنی کلاسهای مجهز به تمام وسایل کمک آموزشی و براساس استانداردهای جهانی را از حقوق کودکان و دانش‌آموزان دانسته و معتقدیم که پایمال نمودن این حق لطمات جبران ناپذیری را بر پیشکوهی آموزش وارد می‌سازد.

۵- امنیت شغلی از انسانی‌ترین حقوق اجتماعی معلمان است پس هرگونه استخدام پیمانی، شرکتی، و قراردادی را مغایر با این اصل دانسته و محکوم می‌کنیم.

۶- ما خواستار اصلاح نظام گزینش فعلی و تبدیل آن به گزینش علمی برای معلمان بوده چراکه گزینش کنونی، افراد را به محافظه‌کاری، انفعال و بی‌انگیزگی سوق می‌دهد.

۷- ما خواستار رفع تبعیض و اتهام از همکاران عزیزمان آقایان پیمان نودینیان و فرزاد اسدپور هستیم.

۸- ما خواهان پایان دادن به

دل نوبوگان و دانش‌آموزان زنده نگه‌داشتن. همان بس که تمامی انسانهای آزاده از کلاس معلم برخاسته‌اند. ما ضمن تاکید براینکه هدف ما از تحصن ضربه زدن به دانش‌آموزان نیست و اعلام اینک که بخش مهمی از خواسته‌های ما تغییر ساختار نظام آموزشی است، از شما همکاران گرامی انتظار داریم که اهداف ما را بیشتر تبیین نمایند تا تمام ابهامات اولیاء دانش‌آموزان برطرف گردد.

ما ضمن تایید بیانیه‌های سابق شورای هماهنگی، اهم خواسته‌های خود را به شرح زیر اعلام می‌کنیم:

۱- ما فرهنگیان استان کردستان همبستگی کامل خود را با تمام معلمان ایران اعلام داشته و خود را ملزم به پشتیبانی از بیانیه‌های سراسری شورای هماهنگی می‌دانیم.

۲- ما هرگونه تبعیض و نابرابری را محکوم نموده و خواهان رفع کامل تبعیض و اجرای عدالت اجتماعی در آموزش و پرورش می‌باشیم.

۳- ما خواستار تغییرات

همکاران ارجمند، فرهنگیان فرهیخته

چندین سال است که معلمان ندای حق‌طلبی و عدالتخواهی خود را از طریق روشهای مدنی و قانونی به گوش تمامی مسئولان رسانده‌اند. اما متأسفانه هیچ اراده‌ای از سوی دولتمردان جهت کاستن آلام معلمان مشاهده نشده و با توسل به راهکارهای مقطعی نه تنها سعی در حل مصائب نموده بلکه بر حجم آنها نیز افزوده‌اند. و بهترین راه حل را پاک کردن صورت مسئله و پرداختن به مسائل جانبی دانسته‌اند. در ماههای اخیر فشارهای متعددی از سوی دولت مهرورز و عدالت محور متوجه معلمان شده است.

متأسفانه بسیاری از معلمان روزهای جشن سال‌نورا در زندان به سر بردند و خانواده‌هایشان انتظاری تلخ را آزمودند.

اما معلمان حتی لحظهای نسبت به آموزش دانش‌آموزان ترک مسئولیت ننمودند. و وظیفه‌ی خود را تا پای جان پاس داشتند. و بر سیاه‌ترین تخته‌ها، امید به فردا را در

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

این برنامه هرشب از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv> برای تماشای برنامه از طریق اینترنت

<http://www.channelonetv.com> برای تماشای مستقیم شماره تلفن تماس با کانال جدید: 001-323 284 42 82



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!